

## ضرورت، اهداف و کارویژه‌های حکومت اسلامی در اندیشه

### آیت‌الله خامنه‌ای

□ علی‌جان حیدری \*

□ سید محمدهادی حسنی \*\*

□ عبدالحکیم رحیمی \*\*\*

#### چکیده

اهمیت شکل‌گیری حکومت اسلامی برای تحقق اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی بر کسی پوشیده نیست. اهداف و آرمان‌هایی چون گسترش عدل و آزادی، تأمین امنیت عمومی، تأمین معیشت و رفاه عمومی و ایجاد بسترهای مناسب برای رشد معنوی و تعالی اخلاقی جامعه، از زمره اهداف والایی است که بدون وجود یک حکومت مقتدر و کارآمد در جامعه اسلامی تحقق نخواهد یافت. بررسی این مسئله در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز بسیار مهم است. نوشتار پیش روی با روش اسنادی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی اندیشه‌های این اندیشمند پرداخته است. اهمیت این پژوهش به اهمیت موضوع آن و شخص اندیشمند به عنوان نظریه پرداز «گفتمان مردم‌سالاری دینی» است. این نوشتار با هدف بازشناسی این اندیشه‌ها و آشنا ساختن نسل جوان با چنین اندیشه‌هایی انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش آن است که از منظر این اندیشمند برای تحقق اهداف فوق، وجود یک حکومت کارآمد که کارگزاران آن در کنار برخورداری از صلاحیت‌های دینی (فقاہت و دانش، تقوا، عدالت و درایت)، از طریق انتخاب مردمی روی کار آمده باشند و کارآمدی خود را نشان دهند، لازم و ضروری است. از این منظر، وظیفه کارگزاران نظام اسلامی،

---

\* پژوهشگر و دانشجوی دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (نویسنده مسئول)  
(alijohnheydari@gmail.com).

\*\* پژوهشگر و دانشجوی دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.  
\*\*\* فارغ‌التحصیل سطح بهار حوزه علمیه.

تلاش مضاعف برای تحقق اهداف پیش گفته است؛ چرا که مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی، اگرچه برخاسته از اراده الهی است و منشأ تمامی حقوق، خداوند متعال است، اما رضایت مردم نقش مهمی در مشروعیت آن دارد. هرچند در مورد اندیشه‌های سیاسی معظم له کارهای ارزشمندی انجام گرفته است که تحقیق حاضر نیز از آن بهره برده، اما ویژگی این نوشتار آن است که اندیشه‌های اندیشمندان را در مسائل فوق، به طور خاص بررسی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** حکومت اسلامی، عدالت، عدالت اجتماعی، آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت هدایت اخلاقی.

## مقدمه

حکومت به مثابه یکی از ضروریات زندگی اجتماعی بشر همواره در اندیشه‌ی فیلسوفان و متفکران بزرگ تاریخ، مطرح و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ چون ارسطو، افلاطون، فارابی و...، از ضرورت این پدیده‌ی اجتماعی و از انواع حکومت در جامعه بشری سخن گفته اند (قاضی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). در تاریخ اسلام، بزرگ‌ترین حکومت از آن پیامبر اسلام (ﷺ) بوده است. مدینه‌ی النبی به عنوان پایتخت جهان اسلام و مرکز حکومت پیامبر خاتم (ﷺ) بر تارک تاریخ اسلام همواره درخشیده است. از این رو، در جامعه اسلامی وجود حکومت، امر اجتناب‌ناپذیر تلقی شده است: «لابد للناس من أمیرٍ برّ او فاجر...». (مبشری، ۱۳۷۲: ۱۸۴-۱۸۷). آنارشیزم و نفی حکومت هیچ‌گاه در فرهنگ سیاسی اسلام جایی نداشته و اعتقاد بر آن بوده است که تنها در سایه‌ی حکومت و نظام سیاسی است که امور به سرانجام می‌رسد و حقوق مردم رعایت می‌شود. در آنارشیزم، جامعه دچار نزاع می‌گردد که نتیجه‌ی فوری آن، بی‌عدالتی و ستم زورمندان و غارت اموال مستضعفان خواهد بود. فرهیختگان جامعه اسلامی با چنین نگاهی، همواره از ضرورت وجود حکومت اسلامی سخن گفته و بر رعایت شاخصه‌های یک حکومت کارآمد تأکید کرده اند. در عصر حاضر، امام خمینی به عنوان بزرگ پرچمدار نهضت اسلامی در میان هیمنه‌ی شرق و غرب از ضرورت حکومت اسلامی تحت حاکمیت ولی فقیه سخن گفته و با تأسیس نظام جمهوری اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی بهره‌بری ولی فقیه، سخن فوق را عملی نموده است. اگرچه در باب حکومت اسلامی بویژه در عصر غیبت، دیدگاه‌های

متفاوتی مطرح گردیده است، اما ایشان گفتمان «جمهوری اسلامی» را طرح و از عینیت دین و سیاست و فقه سیاسی سخن گفته‌اند:

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان دهنده‌ی جنبه‌ی عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. (سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۷/۹/۱۳۶۸ برای توضیح بیشتر، ک: <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=10542>)

در مقابل، نظریه‌های مبنی بر عدم سازگاری دین و سیاست بویژه از سوی برخی روشنفکران مسلمان، همواره مطرح بوده است. این نظریات در جامعه اسلامی با عناوین مختلف طرح و با شعار دفاع از حق، اراده و رأی مردم در ساختار سیاسی جامعه و بویژه مشروعیت نظام اسلامی، هر روز در قالب نوری مطرح شده است. در این میان آیت‌الله خامنه‌ای با طرح گفتمان «مردم‌سالاری دینی» و تبدیل کردن آن به گفتمان حاکم و رایج جامعه، سؤالات و ابهامات مطرح مبنی بر تضاد میان دین و دموکراسی را پاسخ داده و ظرفیت‌های جدیدی از حکومت اسلامی بر پایه نموده است. امری که بازشناسی آرا و نظریات ایشان در باب حکومت اسلامی بویژه نقش مردم در ساختار سیاسی نظام اسلامی را ضروری می‌نماید؛ چرا که توجه به آن می‌تواند سر فصل نوری در حوزه فقه سیاسی به حساب آید و کارآمدی نظام سیاسی اسلامی را بیش از پیش نشان دهد.

نوشتار حاضر با چنین رویکردی به بررسی اندیشه‌ها و نقطه نظرات معظم له در باب حکومت اسلامی با عنوان «ضرورت، اهداف و کارویژه‌های حکومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، پرداخته است. هرچند در باب اندیشه‌های سیاسی معظم له، کارهای پژوهشی ارزشمندی انجام گرفته و تحقیق حاضر نیز از آن‌ها بهره برده است، اما ویژگی این نوشتار آن است که مباحث مزبور را به طور خاص از منظر ایشان بررسی کرده است. اهمیت این نوشتار نیز به اهمیت موضوع آن و اهمیت شخص اندیشمند به عنوان تئورسین نظریه‌ی «مردم‌سالاری دینی» است. هدف این نوشتار آشنایی نسل جوان با اندیشه‌های معظم له در خصوص این موضوع است. بنابر این، مطالب این نوشتار طی چهار مبحث از منظر ایشان

بررسی شده است: مبحث اول، ضرورت وجود حکومت اسلامی؛ مبحث دوم، اهداف حکومت اسلامی؛ مبحث سوم، مشروعیت حکومت اسلامی و مبحث چهارم، وظایف و کارویژه‌های کارگزاران حکومت اسلامی.

## ضرورت حکومت اسلامی

در آموزه‌های اسلامی، حکومت به عنوان یک ضرورت اجتماعی که جامعه بشری بدون آن قوام نمی‌یابد، معرفی شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در مواجهه با خوارج، که در نفی حکومت به آیه «لا حکم الا لله» استناد می‌کردند، می‌فرمایند: «کلمة حق یراد بها الباطل» و ادامه می‌دهند: «آری، همانا که جز خدای را فرمان نیست، اما اینان می‌گویند: جز خدای را امیری نیست. حال آنکه مردمان را ناچار باید امیری باشد خواه نیکوکار خواه بدکار، تا در آن حکومت، مؤمن به کار آخرت پردازد و کافر از دنیا بهره‌مند گردد و خداوند مرگ مردمان را به هنگام برساند و غنیمت به کمک آن جمع گردد و به مدد او با دشمن نبرد شود و راه‌ها امنیت یابد و حق ناتوان از توانا گرفته شود تا نیکوکار آسایش یابد و از بدکار در امان ماند» (مبشری، ۱۳۷۲: ۱۸۷-۱۸۴). امام علیه السلام با صراحت، حکومت بد و قوانین نامطلوب را از هرج و مرج و خلأ قدرت، بهتر و تباهی آن را کمتر می‌داند و در کلامی می‌فرمایند: «اسد حطوم خیر من سلطان ظلوم، و سلطان ظلوم خیر من فتن تدوم»؛ یعنی شیر درنده از حاکم ستمگر بهتر است و حاکم ستمگر از فتنه‌ی طولانی بهتر است (مجلسی، همان: ۷۵ / ۳۵۹).

## دلیل‌های عقلی و نقلی بر ضرورت حکومت

در باب ضرورت حکومت در جامعه، می‌توان از ادله عقلی و نقلی متعددی بهره جست. بیان فوق از امیرالمؤمنین علیه السلام در واقع یک استدلال عقلی بر این حقیقت است. اما ادله نقلی، در منابع دینی از جمله قرآن کریم فراوان است. تشکیل حکومت صالحان و مستضعفان به منظور تحقق عدالت، وعده بزرگ الهی به بندگان مؤمن است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ و ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم (قصص: ۵). نیز آیه‌ی:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا برجاست و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد (نور: ۵۵).

در جامعه اسلامی که مسئله حاکمیت الهی مطرح است و ادعای حاکم اسلامی محقق ساختن اراده تشریحی خداوند است؛ اطاعت از صاحبان قدرت، تنها براساس کتاب خدا و آموزه‌های وحیانی در باب حکومت، صورت می‌پذیرد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا، پیامبر و اولو الامر را اطاعت کنید. و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر باز گردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است (نساء: ۵۹).

بر همین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان (ولی فقیه) و عالی‌ترین مقام رسمی حکومت اسلامی، معتقد است: در جامعه اسلامی هیچ انسانی حق ندارد که اداره امور دیگران را به عهده بگیرد، ولایت تنها از آن خداست؛ زیرا اولاً، همه چیز از خداست؛ ثانیاً، تنها خداوند است که عالم به مصالح و منافع همه انسان‌هاست؛ ثالثاً، حکومت پایه و اساس زندگی فردی و اجتماعی است، تفکیک دین از حکومت غلط است. از این رو، برای چنین جامعه‌ای تنها حکومت دینی شایسته است: «اساس زندگی بشر که بر پایه حکومت اسلامی است، امری است متوجه دین؛ مسئولیتی است بردوش دین و دین باید این کار را انجام دهد» (مرکز آموزش و پژوهش امیر کبیر، ۱۳۷۹: ۱۳۰؛ عارفخانی، ۱۳۸۷: ۷۹). معظم له می‌افزاید:

در اسلام سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را

ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را برعهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک همه ذرات عالم وجود است... هیچ قدرتی، هیچ شمشیر برانی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم و تدبیری، به کسی این حق را نمی‌دهد که مالک و تصمیم‌گیرنده در باره سرنوشت انسان‌های دیگر باشد» (عارفخانی، ۱۳۸۷: ۷۱).

بنابر این، ضرورت وجود یک حکومت مقتدر دینی در جامعه اسلامی، با دلایل عقلی و نقلی بر همگان واضح و آشکار است و حکومت به مثابه رکن اجرایی دین همواره باید وجود داشته باشد و خلأ قدرت دینی، غیر منطقی می‌نماید.

### اجرای مقررات اسلامی

فلسفه اصلی تشکیل حکومت اسلامی، اجرای قوانین الهی است که در قالب آموزه‌های دینی به دست بشر رسیده است. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر اینکه در جامعه اسلامی باید مقررات شریعت اسلام حاکم باشد، معتقد است که اجرای این مقررات نیز باید به دست شایسته‌ترین افراد صورت پذیرد:

... در مردم‌سالاری دینی چارچوب دین خدا حاکم است و مردم، حاکمیت این چارچوب را پذیرفته‌اند. در جامعه‌ای که مردم آن جامعه اعتقاد به خدا دارند، حکومت آن جامعه باید حکومت مکتب باشد؛ یعنی حکومت اسلام و شریعت اسلامی و احکام و مقررات اسلامی باید بر زندگی مردم حکومت کند و به عنوان اجرا کننده این احکام در جامعه، آن کسی از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر است که دارای دو صفت بارز و اصلی باشد (خامنه‌ای، بی‌تا: ۶ / خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۲/۲/۳۰).

### اهداف حکومت اسلامی

اهداف حکومت در اسلام، معطوف به همان اهداف رسالت انبیای الهی تعریف می‌شود. ما بر این باوریم که تشکیل حکومت اسلامی مرحله‌ای از مأموریت الهی پیامبر اعظم (ﷺ) بوده که برای رسیدن به اهداف عالی‌ه اسلامی بدان توجه شده است. حکومت فقها در عصر غیبت در

واقع ادامه حکومت نبوی و در راستای تحقق همان آرمان‌ها و اهداف شکل می‌گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای هدف حکومت اسلامی را تحقق عینی ارزش‌ها و احکام اسلامی معرفی می‌نماید: «مردم‌سالاری دینی یعنی هدف، تحقق ارزش‌های اسلامی و پیاده شدن و عینی شدن مقررات و احکام اسلامی است. اگر این مقررات پیاده شد، قسط اسلامی و عدالت به معنای حقیقی را در جامعه مستقر خواهد کرد...» (سعیدی، همان: ۱۱۴).

## عدالت

برقراری عدالت به مفهوم قرارگرفتن هر چیزی در جای خود: «العدل و وضع کل شیء موضعه»، از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی است.

## عدالت اجتماعی

یکی از انواع عدالت، عدالت اجتماعی است. واژه «عدالت اجتماعی» که معادل واژه انگلیسی «justice social» است، از جمله مفاهیمی است که در فلسفه سیاسی مورد بحث قرارگرفته و دیدگاه‌ها و برداشت‌های متعددی از آن ارایه شده است. افلاطون که «عدالت» را حد وسط نقطه تعادل سه قوه خرد، اراده و شهوت در انسان می‌داند، در سطح اجتماع، عدالت را به مفهوم تناسب و قرارگرفتن افراد جامعه در طبقات خاص خود معنا می‌کند. وی جامعه را متشکل از سه طبقه فرمانروایان، نگهبانان و توده مردم می‌داند. از نظر وی عدالت اجتماعی، قرارگرفتن هر فرد در طبقه خاص خود و بهره‌مندی از امتیازات طبقه خاص خود و ایفای نقش مخصوص خود است. در مقابل، دیگران عدالت اجتماعی را به معنای شایستگی و لیاقت، رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها؛ مساوات و برابری و بالاخره به مثابه انصاف، بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها دانسته‌اند (بیات، همان: ۳۷۵-۳۷۸). به هر صورت، برقراری عدالت اجتماعی، یکی از اهداف مهم حکومت به شمار می‌رود.

## عدالت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای عدالت را به مثابه یکسان بودن فرصت‌ها و حقوق و عدم تبعیض در حدود

و احکام می‌داند نه یکسان بودن همه برخوردارها:

عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند» (بیانات در دیدار مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰).

معظم له تصریح می‌فرمایند:

عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله‌ی ژرف میان طبقات و برخوردارهای نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پا برهنه‌گان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد... در بنای یک جامعه، عدالت از همه چیز مهم‌تر است. عدالت به معنای عدم تبعیض در حقوق و حدود و احکام است» (پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

### عدالت به مثابه فلسفه اصلی حکومت اسلامی

در قرآن کریم یک هدف بزرگ نبوت‌ها و رسالت‌ها، اقامه‌ی عدل معرفی شده است: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید: ۲۵). اساساً انزال کتب الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و روزگویی و فساد از میان برخیزد (صداقت، ۱۳۹۲: ۴۰). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لولا حضورالحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء أن لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لألقت حبلها علی غاربها» (دشتی، ۱۳۷۹: خطبه ۳)؛ بیان آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام: «اگر وظیفه من با توجه به قبول بیعت و خواست مردم بر من مسجل



و منجز نمی‌شد که در مقابل ظلم بایستم و با تبعیض مبارزه و از مظلوم دفاع کنم، باز هم قبول نمی‌کردم. یعنی امیرالمؤمنین می‌فرماید من قدرت را به خاطر قدرت نمی‌خواهم (صداقت، همان: ۳۸). از نگاه ایشان، عدالت فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی برای رسیدن انسان‌ها به کمالات انسانی خویش است: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی، برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه‌ی قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نایل آیند» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۶۹/۳/۱۰). و «...اساس جامعه‌ی نظام جمهوری اسلامی، «لیقوم الناس بالقسط» است. هدف عدالت و قسط اجتماعی است. جامعه زمانی به صلاح، آبادانی، عمران و نجات حقیقی خواهد رسید که این، تأمین شود» (بیانات در دیدار کارگزاران، در روز عید مبعث ۱۳۷۴/۹/۲۹). ایشان شاخصه‌ی اصلی مکتب اسلام را حمایت‌گری از ارزش‌های چون عدالت و حق‌خواهی بدون ترس از حاکم می‌دانند: «مکتب اسلام، یعنی مکتب حمایت از انسانیت و ارزش‌های انسانی، مکتب ترویج رحم و مروت؛ مکتب ترویج اخوت و برادری انسانی؛ مکتبی که معیارش در حقوق اجتماعی این است: «لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حقه من القوى غير متعتع»؛ در یک جامعه، فردی که دستش از زر و زور تهی است، بتواند حق خود را بدون هیچ‌گونه مشکل، از قوی که زر و زور هم دارد، بگیرد...» (بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اکرم ﷺ ۱۳۸۱/۷/۱۳). بدون شک برای تحقق کامل عدالت و برآورده شدن آرمان‌های انقلاب اسلامی و مردم مسلمان، شکل‌گیری نظام اسلامی کافی نیست بلکه ایجاد دولت اسلامی لازم است:

من چند سال قبل عرض کردم که مرحله‌ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است... دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است...» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸).

اصل قضیه عدالت است و ما دنبال عدالتیم. من این را صریحاً عرض می‌کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست‌ها براساس عدالت تنظیم می‌شود... هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است». (بیانات در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمومنین ۱۷/۱۰/۱۳۷۱).

بنابر این می‌توان گفت عدالت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به مثابه فلسفه اصلی شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و غایت اصلی حکومت اسلامی است که دیگر اهداف نظام نیز در سایه گسترش عدالت، امکان تحقق می‌یابند.

## امنیت

امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و در مورد افراد به نبود هراس و بیم و به مخاطره نیفتادن حقوق و آزادی‌های مشروع و علاوه بر آن، به مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و در نهایت هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعبیر شده است. عنصر اصلی در تعریف امنیت «فقدان تهدید» است (مهاجرنیا، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

امنیت (security)، فارغ بودن و خارج بودن از هرگونه دغدغه فکری در برابر حمله و تهدید و دفاع از حمله و تهدیدات است (کللی، ۱۳۸۷) ۴۰. امنیت به پنج نوع تقسیم می‌شود: امنیت فردی، اجتماعی، ملی، بین‌المللی و امنیت سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی (کللی، همان). که در این مقال، مجال شرح آن نیست.

## امنیت به مثابه هدف حکومت اسلامی

از جمله اهداف مهم حکومت اسلامی، تأمین امنیت است. امنیت در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و ... که دولت اسلامی موظف به تأمین آن است، مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای است:

امنیت محیط شغلی، امنیت قانونی، امنیت قضایی، امنیت محیط زندگی؛ مثل خانه‌ها، جاده‌ها، شهرها، روستاها، امنیت مرزها، ایجاد محیط امن در جامعه اسلامی، یکی از مهم‌ترین تکالیف و وظایف است که دولت اسلامی و حاکم

اسلامی موظف است که آن را انجام دهد (عارفخانی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

ایشان در باب امنیت اجتماعی می‌گویند:

معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود، احساس خوف و تهدید و ناامنی نکنند. این مسئله، خیلی مهم است. خداوند متعال در مقام منت‌گذاردن بر قریش می‌فرماید: «فلیعبدوا رب هذا البيت الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»؛ یعنی امنیت دادن را به عنوان یکی از دو نعمت، مورد تأکید قرار می‌دهد (مهاجرنیا، همان: ۱۹۲).

### ضرورت و اهمیت امنیت

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مقوله امنیت از نیازهای اولیه، طبیعی و از خواسته‌های مهم بشری است و از ضروری‌ترین لوازم حیات فردی و اجتماعی تلقی می‌گردد. اهمیت امنیت تا آنجاست که بقا و زوال جامعه بر مدار آن تعریف شده و همه ابعاد زندگی اجتماعی بدان پیوند خورده است. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اهمیت امنیت می‌فرماید: «حالت ناامنی واقعا در جامعه چیز بدی است، باید با آن مبارزه کرد. خدای متعال بر مردم قریش منت می‌گذارد و... امنیت این قدر مهم است. ما که حکومت اسلامی هستیم، باید در جامعه مان امنیت وجود داشته باشد و مردم باید خاطرشان جمع باشد» (بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۶۸/۶/۲۰). در جای دیگر می‌گوید: «در سوره قریش می‌فرماید: «فلیعبدوا رب هذا البيت»، بعد می‌فرماید: «الذی أطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»؛ یعنی نجات از گرسنگی را با نجات از ناامنی در کنار هم قرار داده است» (بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی - سیاسی نواحی مختلف نیروی انتظامی در سراسر کشور، ۱۳۷۰/۱۱/۲). ضرورت امنیت تا آنجاست که ایشان از اصل «امنیت» در حیات اجتماعی به عنوان زمینه پیشرفت و شرط مهم حرکت اجتماعی یاد می‌کند:

امنیت نعمت بزرگی است. در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه‌ای زمینه لازم برای پیشرفت‌های مادی و معنوی، امنیت است... لیکن شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت، در درجه اول امنیت است (بیانات در

مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، ۱۰/۶/۱۳۷۹).

## رفاه و تأمین اجتماعی

یکی دیگر از اهداف حکومت اسلامی، بحث تأمین رفاه جامعه است. اسلام بر خلاف مسیحیت و برخی ادیان شرقی که به پرهیز از دنیا و نوعی رهبانیت توصیه می‌کنند، توجه به دنیا و برخورداری از نعمت‌های الهی را توصیه کرده و از رهبانیت و عرفان‌های دنیاگریز، گریزان است و تأمین سعادت این جهانی را وظیفه حکومت اسلامی می‌داند (سعیدی، ۱۳۹۲: ۲۲-۱۲۱). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر اصل تأمین رفاه، معتقد است که تأمین رفاه نباید تنها برای قشر یا بخشی و منطقه‌ای خاصی باشد. از این رو، حکومت اسلامی باید برای تأمین رفاه قشرهای مختلف جامعه اسلامی تلاش کند:

رفاه هم یک نیاز حقیقی و واقعی است برای مردم که حکومت اسلامی موظف است آن را تأمین بکند. البته نه رفاه یک طبقه خاص، نه رفاه یک قشر خاص، نه فقط رفاه مردم شهر نشین؛ نه، رفاه تمام آحاد مردم شهروندان از هر قشری، از هر شغلی، از هر منطقه‌ای از مناطق جغرافیایی و طبعاً هرکدام نیاز بیشتری دارند، حکومت اسلامی موظف است که بر طبق نیاز بیشتر آنها، از آنها بخواهد برای آنها وسایل را فراهم کند و تلاش بیشتری هم انجام بدهد (عارفخانی، همان: ۲۳-۱۲۲). فلسفه نظام جمهوری اسلامی این است که بتواند همچنان که اسلام از مسئولان، انسان‌ها و ملت‌ها خواسته است، در میان مردم هم عدالت، هم اخلاق، هم معنویت و هم رفاه مادی را به وجود آورد. این کار، مقدس و بسیار بزرگ و البته دشوار است. همه تلاش جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته برای این بوده است که به این مقصود دست پیدا کند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۵).

## هدایت

یکی از اهداف مهم و راهبردی حکومت اسلامی، شکل دادن باورهای افراد جامعه است. از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای، عمق بخشیدن به باورها و ایمان مردم را اولین وظیفه کارگزاران در نظام اسلامی می‌داند: «عمق بخشیدن به ایمان مردم و هدایت قلبی و معنوی انسان‌ها در

یک جامعه، اولین وظیفه مسئولان امر است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب: ۴۵ و ۴۶). این وظیفه پیغمبر است. ما می‌خواهیم همان راه را برویم «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲). تزکیه و تعلیم جزو وظایف اصلی پیامبر است. در جوامع اسلامی، مسئولان باید همان راه را بروند. باید تعلیم بدهند و تربیت کنند. باید ایمان دینی را در ذهن‌ها تقویت و راسخ کنند. این جزو وظایف ماست. ... در راه اصلاح امور زندگی و تقویت ایمان دینی مردم، باید همه تلاش خودمان را بکنیم» (عارفخانی، همان: ۲۷-۱۲۶). معظم‌له با تأکید بر اینکه مسئولان نظام اسلامی باید باورهای دینی را در خود عمق ببخشند، آنها را در جهت گسترش این باورها در جامعه موظف می‌دانند: «جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را با هم دارد. جامعه اسلامی، هم دین و اخلاق و فرهنگ و معارف مردم را غنی می‌کند و هم به زندگی عادی و معیشت و کار و تولید و استخراج و اختراع آنها توجه دارد» (همان). هر چند در مواردی از سوی برخی مسئولین نظام، اظهار می‌شود که بهشت رفتن مردم وظیفه دولت نیست و مردم را با زور نمی‌توان به بهشت برد، اما ایشان صریحا بیان می‌دارند که بهشت رفتن مردم در اختیار دستگاه حکومت است. اگر دستگاه حکومت یک دستگاه کارآمد، لایق، متعهد، دل‌سوز و منطبق با معیارها باشد، همه مردم را به بهشت خواهد برد. بهشت دنیا و آخرت را برای مردم تأمین خواهد کرد. اما اگر چنین نباشد، آنگاه سرنوشت جهنم و سقوط هم برای حاکمان و هم برای مردم در انتظار خواهد بود (همان: ۱۲۷).

بنا بر این، یکی از اهداف اصلی حکومت در اسلام از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تعمیق باورهای دینی و هدایت معنوی مردم است که در کنار اهداف دیگر حکومت، باید در جهت تحقق آن تلاش شود.

## هدایت اخلاقی

همچنان که اشاره شد از اهداف بسیار مهم حکومت اسلامی، بحث هدایت و سوق دادن

جامعه به سوی کمال است. اما در باب دخالت دولت در این عرصه، دو رویکرد کاملاً متفاوت وجود دارد. تفاوت این رویکردها هم از تفاوت مبانی آنها ناشی می‌شود؛ رویکرد اول مبتنی بر مبانی لیبرالیستی و طرفدار آزادی فردی به معنای منفی آن (نبودن مانع پیش روی اراده فرد)، است. رویکرد دوم مبتنی بر اصول اسلامی و آموزه‌های دینی است. رویکرد اول، رسالت دولت را تنها در گستره مادی دانسته و توجه به مسایل دنیوی شهروندان را وظیفه آن می‌داند و هرگونه ورود به حوزه عقاید و مسایل اخلاقی را منع می‌کند (سعیدی، همان: ۲۵-۱۲۴). رویکرد دوم که با نگاه جامع به انسان و نیازهای اساسی او، وظایف و کارویژه‌های حکومت را تعیین می‌کند، در کنار تأمین رفاه، امنیت، عدالت و...، تأمین سلامت معنوی و اخلاقی جامعه را وظیفه دولت بر می‌شمارد. در این رویکرد تأکید می‌شود که حکومت موظف است ناهنجاری‌های اجتماعی و نابسامانی‌های فرهنگی را کنترل کند و فضای جامعه را به گونه‌ی آماده سازد که زمینه گناه و میل به انحراف از بین برود و در عین حال مسیر حرکت به سمت کمال معنوی و اخلاقی هموار گردد (همان). در رویکرد دوم، از آزادی مثبت (آزادی انسان از موانع کمال برای رسیدن به کمال)، سخن گفته می‌شود و آزادی، خود هدف نهایی شناخته نمی‌شود بلکه آزادی مقدمه تحقق اهداف و دیگر ارزش‌های انسانی است و در سایه تحقق این ارزش‌ها است که انسان به کمال انسانی خویش نایل می‌گردد. دولت موظف است از آزادی افراد حمایت نماید برای حرکت اختیاری آنها در مسیر کمال. این، آن چیزی است که حکومت اسلامی را از نظام‌های حاکم دیگر جدا می‌سازد. آیت‌الله خامنه‌ای به این هدف حکومت اسلامی، نگاه ویژه دارد:

مسئله هدایت مردم، یکی از آن مسایل بسیار مهمی است که در نظام‌های سیاسی رایج دنیا-به خصوص در نظام‌های غربی- نادیده گرفته شده است. معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه‌های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوس‌های فاسد کننده‌ای که گاهی به نام آراء مردم و خواست مردم مطرح می‌گردد، از افق انتخاب مردم دور شود (مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای خاتمی، ۸۰/۵/۱۱. به نقل از: سعیدی، همان: ۱۲۷).

معطوف به همین وظیفه خطیر حکومت اسلامی است که در منظومه فکری رهبران الهی

هم‌چون امیرالمؤمنین علیه السلام، مسئله هدایت و هدایت‌گری جایگاه ویژه دارد و این می‌طلبد که هدایت‌گران باید خود هدایت شده باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

فاعلم أن أفضل عباد الله عند الله امام عادل هُدى و هدى؛ فأقام سنة معلومة و  
امات بدعة مجهولة» (نهج البلاغه، همان: خطبه ۱۶۴).؛ بدان که بهترین بندگان خدا  
نزد او پیشوایی است دادگر، هدایت شده و راهبر؛ پس سنت‌های معلوم را بر پا دارد،  
و بدعت‌های مجهول را بمیراند.

و در جای دیگر می‌افزاید:

من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ لتعليم نفسه قبل تعليم غيره، وليكن تأديبه بسيرته  
قبل تأديبه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم»  
(همان: حکمت ۷۳)؛ هرکس خود را پیشوای مردم سازد، باید پیش از تعلیم دیگران  
به تعلیم خویش بپردازد و باید تربیت کردنش، پیش از آنکه به زبانش باش با سیرت  
و رفتارش باشد؛ و آن که خود را تعلیم دهد و تربیت نماید، شایسته‌تر به تعظیم  
است از آن که دیگری را تعلیم دهد و تربیت نماید.

این کلام امیرالمؤمنین در کنار کلام خداوند که می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ  
أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵)؛ یک  
ضرورت مهم در باب هدایت جامعه به وسیله رهبران و حاکمان هدایت یافته را بیان می‌دارد.  
بنابراین، هدایت مردم به سرچشمه‌های فضیلت از طریق تعلیم و تربیت، و دورکردن  
هوس‌های فاسد از افق انتخاب مردم، یکی دیگر از وظایف و اهداف عالی حکومت اسلامی  
است که از منظر آیت‌الله خامنه‌ای همواره مورد تأکید بوده است.

## وظایف و کارویژه‌های حکومت اسلامی

هر حکومتی به منظور دستیابی به اهداف و آرمان‌هایی شکل می‌گیرد. تحقق این اهداف و  
نیل به آن آرمان‌ها از جمله وظایف و مسئولیت‌های اصلی حکومت است. حکومت اسلامی با  
توجه به مبانی و اصول بنیادی خود، در پی محقق ساختن اهداف الهی و آرمان‌های والای  
انسانی است. این اهداف از منظر آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً بررسی شد و معطوف به این اهداف

در این قسمت به بررسی وظایف و کارویژه‌های حکومت اسلامی از منظر ایشان می‌پردازیم. در نگاه کلان و ژرف آیت‌الله خامنه‌ای به اهداف و آرمان‌های حکومت اسلامی در عرصه داخلی و بین‌المللی، حکومت اسلامی وظایف و مسؤولیت‌های بسیار مهم و خطیری در این دو عرصه، بر عهده دارد. به عبارت دیگر معطوف به آن اهداف و آرمان‌ها، وظایف نیز وسعت و گستره بین‌المللی پیدا می‌کند. از این رو، ناگزیر باید وظایف حکومت اسلامی در هر دو عرصه مورد بررسی قرار گیرد. از منظر ایشان وظایف حکومت اسلامی در قلمرو داخلی عبارتند از: عمل کردن برابر اراده الهی، ایجاد عدالت اجتماعی، تأمین امنیت عمومی، تأمین رفاه عمومی، هدایت معنوی و اخلاقی جامعه و فراهم نمودن بسترهای لازم برای رشد و ترقی و کمال انسانی که حکومت اسلامی می‌بایست به انجام آنها همت بگمارد (عارفخانی، همان: ۱۲۰ به بعد). از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای نخستین وظیفه دولت اسلامی، عمل کردن برابر اراده الهی و ایجاد عدالت اجتماعی است: «دولت اسلامی بر طبق اراده خدا عمل می‌کند و با همان هدف‌ها، انسان‌ها و جامعه را حرکت می‌دهد و در همان سمتی که خدا اراده کرده است، جامعه را می‌برد...» (همان: ۱۲۱). و «ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه، به عهده دستگاه‌های حاکم است. به مردم نمی‌شود گفت که چرا شما عدالت را رعایت نکردید. آن دولت و حکومت است که باید مقررات موجب عدالت و زاییده عدالت و سرچشمه جوشان عدالت اجتماعی را در جامعه به جریان در بیاورد و وضعی را به وجود بیاورد که عدالت اجتماعی در جامعه تأمین شود» (همان: ۱۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای فقرزدایی و تسکین آلام طبقات ضعیف جامعه را از وظایف مهم دولت اسلامی می‌دانند و در این باره خطاب به مسئولین دولتی می‌گویند: «در برنامه‌ریزی‌ها مسأله‌ی برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه‌ی مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم، گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن است» (بیانات رهبری در دیدار با هیأت دولت ۱۳۷۴/۶/۸). اساساً فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است. ایشان می‌گویند:



به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه‌ی جغرافیایی دور از مرکز کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید» (سخنرانی در اجتماع زائران مشهد مقدس ۱/۱/۱۳۸۸).

در نظریه عدالت اجماعی آیت‌الله خامنه‌ای، ایجاد عدالت در کنار ریشه کن کردن تبعیض و بر اندازی اختلافات طبقاتی، معنا و مفهوم می‌یابد. ایشان در جای دیگر با تأسی به امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup>، و بر شمردن شاخصه‌های حکومت آن حضرت به عنوان الگوی حکومت اسلامی، به نامه آن حضرت به محمد بن ابی بکر (متن مورد استناد از نامه: «فاخفص لهم جناحک و الن لهم جانبک و ابسط لهم وجهک و آس بینهم فی اللحظه و النظره...»). اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما و همه کارگزاران دولت جمهوری اسلامی باید درس بیگیریم و تبعیض را ریشه کن کنیم، ریشه تبعیض نباید در میان مردم گسترش پیدا کند. این ریشه عفن و خطرناک حتی در نگاه به مردم باید از بین برود» (حق‌پناه، ۱۳۸۰: ش ۲۷ / ۱۸).

### رعایت سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌الملل

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که در سیاست خارجی، سه اصل عزت، حکمت و مصلحت باید حفظ شود. رعایت مصالح در سایه اصل حکمت دست‌یافتنی است. نظام اسلامی باید حکیمانه رفتار نماید و از روی احساسات و بی‌توجهی به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که باید از رابطه با دنیا بدست آورد، حرکت نکند. ایشان در تبیین اصل حکمت مقرر می‌دارد: «...ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این حکمت است. ... کما اینکه رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله</sup> با خیلی‌ها- از جمله با یهود اطراف مدینه- مذاکره کرد. از آن سه طایفه، با یک طایفه جنگید و دو طایفه دیگر را نفی بلد کرد» (موسی‌پور، میثم و کرامتی، ۱۳۸۴: ۱۸۳). و «... البته بارها گفته‌ایم که عزت و حکمت و مصلحت را رعایت کنند. بروند به همه دولت‌ها، سیستم‌های مختلف، عقاید مختلف، روش‌های گوناگون ارتباط داشته

باشند. مانعی ندارد، لیکن منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد که از آن نباید تجاوز کرد» (همان: ۱۹۳).  
از نگاه ایشان پرداختن به مسئله فلسطین به عنوان یک وظیفه اصلی حکومت اسلامی در اولویت اول جهان اسلام قرار دارد و باید در رأس مسایل بین‌المللی جمهوری اسلامی باشد. ایشان با صراحت بیان می‌دارند: «بزرگ‌ترین وظیفه ملت و دولت ما و همه ملت‌ها و دولت‌های مسلمان، حمایت از این مبارزات است. غده سرطانی اسرائیل را تنها از طریق همین مبارزات می‌توان ریشه‌کن ساخت و جهان اسلام را از خطرات مهلک آن نجات داد...» (همان: ۲۱۴).

### نتیجه

این نوشتار به بررسی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مورد ضرورت، اهداف و کارویژه‌های حکومت اسلامی پرداخت. برآیند این بررسی آن است که وجود حکومت اسلامی یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر جامعه اسلامی است. اهداف و آرمان‌های حکومت اسلامی همانند برقراری عدالت و گسترش عدل و آزادی‌های عمومی، تأمین امنیت فردی و اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای رشد معنوی و تعالی اخلاقی جامعه اسلامی در جهت کمال انسانی، بدون وجود یک حکومت اسلامی مقتدر و کارآمد، امکان‌پذیر نیست. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای دستیابی به این اهداف تنها در سایه یک نظام اسلامی کارآمد که کارگزاران آن در کنار برخورداری از صلاحیت‌های دینی (فقاہت و دانش، تقوا، عدالت و درایت)، از طریق انتخاب مردمی به روی کار آمده باشند و کارآمدی خود را نشان دهند، میسر است. وظایف و کارویژه‌های حکومت اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از: تلاش در جهت گسترش عدالت و رفع تبعیض و محرومیت زدایی از جامعه اسلامی، ایجاد فضای امن و تأمین رفاه جامعه و بالاخره، فراهم ساختن زمینه‌ها و بسترهای لازم برای حرکت جامعه اسلامی به سمت کمال. در عرصه بین‌المللی نیز وظایف حکومت اسلامی وظیفه دارد سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را رعایت نماید و از مسئله فلسطین با تمام قدرت و توان خود حمایت کند.

## کتابنامه

---

قرآن

نهج البلاغه

بازگشت به نهج البلاغه، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در کنگره‌های بین‌المللی نهج البلاغه تهران بنیاد نهج البلاغه اول ۱۳۷۲.

بیات، عبدالرسول و دیگران، فرهنگ واژه‌ها، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگی، دینی، ۱۳۸۱.

جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.

جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء، دوم، ۱۳۸۴.

حق پناه، رضا، حکومت امام علی علیه السلام در نگاه رهبری، اندیشه حوزه، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۸۰، شماره ۲۷.

خامنه‌ای، سید علی، در مکتب جامعه، بیجا، بیتا، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۳۰، ۲، ۶۲.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مشرقین، چهارم، ۱۳۷۹.

سایت مقام معظم رهبری [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) مجموعه بیانات و مصاحبه‌های معظم له.

سعیدی، مهدی، مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

صداقت، مجید، عرصه‌های عدالت در کلام امام خامنه‌ای، قم، تسنیم اندیشه، ۱۳۹۲.

عارف خانی، احمد، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷.

عالم، عبدالرحمان، بنیادهای علم سیاست، تهران، اسلامیه، اول، ۱۳۷۳.

علی‌الله فراتر از ذهن، مجموعه بیانات رهبری در خصوص امام علی علیه السلام تهیه و تدوین مرکز آموزش و پژوهش امیرکبیر، اول، ۱۳۷۹.

فیرحی، داود، قدرت، اندیشه و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی، سوم، ۱۳۷۸.

قاضی ابوالفضل بایسته‌های حقوق اساسی تهران میزان سی و هفتم ۱۳۸۹.

کتاب نقد، شماره ۷، تابستان ۷۷، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چ ۱۲۸.

- کللی، قیصر، فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی تهران نشر پایان ۱۳۸۷.
- لاریجانی، محمدجواد، نقد دینداری و مدرنیسم (مجموعه مقالات)، تهران، اطلاعات، دوم، ۱۳۷۶.
- لکزایی، شریف، بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۸۶.
- مبشری، اسدالله، ترجمه نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ششم، ۱۳۷۲.
- مصباح، محمد تقی نظریه سیاسی اسلام قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام ۱۳۷۸.
- مهاجرنیا، محسن، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
- موسی‌پور، میثم و کرامتی، محمدتقی، منشور دولت اسلامی بازخوانی مواضع و انتظارات مقام معظم رهبری از قوه مجریه در ۱۶ سال گذشته، دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر، اول، ۱۳۸۴.
- نرم‌افزار «حدیث ولایت» که از سوی مؤسسه انقلاب اسلامی که مسئولیت نشر آثار مقام معظم رهبری را دارد معرفی شده است.
- واعظی، احمد، مقاله بررسی عدالت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.